

نقش طراحی محیطی در پیش‌گیری وضعی از جرایم علیه اموال

مجتبی مست ظهوری^۱

چکیده

آنچه اهمیت و ضرورت اتخاذ تدابیر و تکنیک‌های پیش‌گیرانه‌ی وضعی در قالب طراحی صحیح محیطی (تغییر در محیط ارتکاب جرم) را جهت کاهش وقوع برخی از جرایم علیه اموال ایجاب می‌کند، گسترش شیوه‌های نوین ارتکاب بزه و انواع جدید بزه‌کاری، به‌رغم اعمال سایر شیوه‌های پیش‌گیری در جوامع می‌باشد. حال آن که با طراحی صحیح محیطی به عنوان یکی از تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی، می‌توان ضمن مشارکت دادن مردم در امر پیش‌گیری و کاستن از هزینه‌ها، از ملاحظه نتایج مثبت و ملموس آن در پیش‌گیری موثر از وقوع و تکرار گونه‌های بسیاری از جرایم نسبت به اموال در جامعه، که در صورت عدم رعایت تدابیر پیش‌گیرانه مرتبط در این حوزه اتفاق می‌افتد نیز احساس رضایت نمود.

واژگان کلیدی: طراحی محیطی، پیش‌گیری وضعی، جرم، اموال.

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

درآمد

با مطالعه‌ی تاریخ تحولات حقوق کیفری و جرم‌شناسی ملاحظه می‌گردد که جوامع بشری برای کنترل جرم، بیشتر از شیوه‌ها و ابزارهایی استفاده می‌کردند که محور و ملاک اصلی در آن‌ها، مرتکب و بزه‌کار بود. به عبارتی این شخص بزه‌کار بود که می‌بایست هدف اقدامات سرکوبگر یا اصلاحی قرار می‌گرفت. به تدریج و با اثبات ناموفق بودن این دیدگاه در کاهش وقوع بزه‌کاری از یک طرف؛ و تحول در شیوه‌های ارتکاب جرایم و پیدایش جرایم نوین از سوی دیگر، بینش جدیدی به خصوص از چند دهه‌ی پیش، سیاست جنایی در بعد پیش‌گیری از جرم را تحت تاثیر قرار داد که این دیدگاه به پیش‌گیری وضعی معروف شد. پیش‌گیری وضعی از بزه‌کاری به عنوان یکی از روش‌های پیش‌گیری غیر کیفری، در صدد است که با تسلط بر شرایط و وضعیت پیرامونی جرم، فرصت‌ها و موقعیت‌های بزه‌کاری را از بین ببرد؛ به طوری که ارتکاب جرم مشکل شود یا خطرات آن افزایش یافته و یا جذابیت آن برای مجرمان بالقوه کاهش یابد و بدین طریق از وقوع جرم پیش‌گیری به عمل آید. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب بزه در پیش‌گیری وضعی دارای اهمیت بسیار می‌باشد.

در این راستا، تدابیر این مدل از پیش‌گیری در چند حوزه‌ی مختلف با هدف کاهش وقوع و یا تکرار جرایم و بالاخص جرایم علیه اموال دارای کاربرد است. یکی از این حوزه‌ها، ناظر به وضعیت و موقعیت‌هایی است که صرف‌نظر از بزه‌دیده (زیان‌دیده یا مال‌باخته) و بزه‌کار به عنوان دو عامل انسانی، مؤثر در فرایند تحقق عمل مجرمانه، وقوع جرم را تسهیل می‌نمایند و به عبارتی، با تحریک و وسوسه‌ی افراد دارای تمایلات بزه‌کارانه، آن‌ها را به ارتکاب بزه ترغیب و تحریک نموده و گاهی نیز خود موجب تکوین این انگیزه و تمایلات بزه‌کارانه در چنین افرادی می‌شوند. موقعیت‌هایی که ناظر به طراحی ناصحیح محیطی از جهت معماری، عدم مراعات اصول ایمنی در ساخت و سازها و مانند آن است در این قسمت قرار می‌گیرند. در مقابل، تدابیری همچون قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه یا برخی از اقدامات خاص حفاظتی وجود دارند که برگرفته از یک طراحی صحیح محیطی بوده و به تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی موسوم

هستند و می‌توانند سبب کاهش وقوع جرایم علیه اموال حداقل در این حوزه‌ها باشند. به همین دلیل، در این نوشتار سعی می‌شود تا چگونگی و میزان کارایی هر یک از اقدامات معرفی شده که به نوعی از اصول طراحی صحیح محیطی در جهت ایجاد یک فضای قابل دفاع می‌باشند، مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. بیان موضوع

در پیش‌گیری وضعی از طریق طراحی محیطی، این باور حاکم است که با طراحی مجدد و صحیح محیط و مدیریت آن، آمار جرایم و بالاخص جرایم علیه اموال کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، پیش‌گیری از جرایم از طریق طراحی محیطی، مبین این واقعیت است که افراد جامعه، صاحبان منازل، طراحان و معماران نیز می‌توانند با به کارگیری راهبردهای پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی، نقش کلیدی در از بین بردن و یا کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم، خصوصاً جرایم علیه اموال داشته باشند.

این اندیشه، اولین بار توسط خانم جین جاکوبز^۱ در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا»^۲ در دهه‌ی ۱۹۶۰ و کتاب الیزابت وود^۳ تحت عنوان «جنبه‌های اجتماعی خانه‌سازی در توسعه‌ی شهری»^۴ به ظهور رسید. هر چند به طور مشخص عنوان «پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی»^۵ اولین بار توسط سی.ری. جفری^۶ بیان شد. هم‌چنین کتاب «فضای قابل دفاع»^۷ اسکار نیومن^۸ نیز دارای تاثیر و نفوذ ویژه‌ای در این خصوص بود. مطابق این دیدگاه (پیش‌گیری وضعی از طریق طراحی صحیح محیطی)، می‌توان با اصلاح نوع طراحی واحدهای مسکونی و با در

1. Jane Jacobs
2. The Death and Life of Great American Cities
3. Elizabeth Wood
4. Social Aspect of Housing in Urban Development
5. Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)
6. c. Ray Jeffery
7. Defensible Space
8. Oscar Newman

نظر گرفتن وضعیت مسکن هم‌جوار آن، از ارتکاب جرایم و بالاخص بسیاری از جرایم علیه اموال نظیر سرقت و تخریب پیش‌گیری نمود (جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷: ۳). راهبردهای کلی پیش‌گیری وضعی از جرایم از طریق طراحی محیط، همان طراحی دقیق و موثری است که در ساخت محیط و استفاده‌ی بهینه از فضاها به کار برده می‌شود و می‌تواند جرم و ترس از جرم را کاهش داده و نهایتاً منجر به ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی افراد گردد. در پیش‌گیری وضعی از طریق طراحی صحیح محیطی، کیفیت محیط زندگی از جهت پیش‌گیری از وقوع جرم ارتقاء می‌یابد ضمن آن‌که از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه می‌باشد؛ خصوصاً اگر این طرح در ابتدای ساخت و طراحی ساختمان‌ها و فضاها اجرا شود (هون، ۱۳۸۵: ۱۰). به عبارت دیگر، پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی صحیح محیطی را می‌توان به عنوان بخشی از راهکار جامعه در جهت اجتناب از جرم بررسی کرد؛ چرا که پیش‌گیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی، بر تجزیه و تحلیل نظام‌مند جرم در یک موقعیت خاص تأکید دارد و از طریق ارائه‌ی راهکارهایی که متناسب با مشکلات خاص باشد، به پیش‌گیری از جرم می‌پردازد. برنامه‌های پیش‌گیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی، از راه طراحی و مدیریت محیط فیزیکی ساختمان‌ها، اماکن مسکونی، امنیت عمومی را افزایش و ترس از وقوع جرم را کاهش می‌دهد (فلیسنر و هنزل من، ۱۳۸۳: ۸۱). پس از تبیین چارچوب کلی پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی، اینک به تشریح راهبردهای این نوع از پیش‌گیری و ارتباط آن با کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌ها و نهایتاً کاهش وقوع جرایم علیه اموال می‌پردازیم.

۲. قلمروگرایی^۱

افراد به طور طبیعی از قلمرویی که فکر می‌کنند متعلق به آن‌ها می‌باشد، دفاع می‌کنند؛ ضمن آن‌که احترام خاصی نسبت به قلمرو دیگران نیز قائل هستند. این امر ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با طراحی صحیح محیط زندگی و محل سکونت افراد دارد. به عنوان مثال، هر چه تعداد بلوک‌ها در مجتمع‌های مسکونی بیشتر باشد، افراد بیشتری در قسمت‌های اشتراکی با هم شریکند و هر چه تعداد افراد بیش‌تر

1. Territoriality

باشد، برای ساکنان سخت‌تر است که ساکنان واحدهای دیگر را از غریبه‌ها تشخیص دهند. این گمنامی، جو کلی را تشکیل می‌دهد و نظارت و مراقبت غیر رسمی توسط ساکنان این مکان‌ها را مشکل می‌نماید.

پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی، بر این واقعیت استوار است که از طریق تجدید آرایش ساختار صحنه‌ی فیزیکی که جرم در آن به وقوع می‌پیوندد، به منظور جلوگیری یا دشوار نمودن وقوع جرم، پیش‌گیری از وقوع جرم صورت گیرد. در این راستا، نقش طراحی صحیح یا ناصحیح ساختمان‌ها و معماری شهری در افزایش یا کاهش وقوع جرایم و به ویژه جرایم نسبت به اموال نظیر سرقت و تخریب بسیار تاثیرگذار می‌باشد. به عبارت دیگر، معماری و طراحی آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی باید به گونه‌ای باشد که فضای همبستگی و قلمروگرایی را توسعه دهد. در این راستا، نخستین پیش‌نیاز افزایش حس قلمروگرایی در بین مردم، مشخص کردن حریم فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی (که اختصاص به تعداد کمی از ساکنان دارد مانند حیاط داخلی و سالن بازی بچه‌ها)، نیمه عمومی و عمومی به وسیله‌ی موانع و حفاظ‌های واقعی مانند نرده و دیوار؛ یا نمادین مانند بوته و پرچین است؛ زیرا در این صورت مشخص می‌شود که هر فضا برای چه کسی است و ساکنان به جای شناخته شدن از طریق حریم خصوصی خود، با فضای اطرافشان شناخته می‌شوند و در این صورت ضمن آن که ساکنان به راحتی همسایگان خود را از افراد مزاحم تشخیص می‌دهند، تمایل بیش‌تری پیدا می‌نمایند تا از فضاهای نیمه خصوصی و نیمه عمومی همچون فضای خصوصی که جزئی از محیط زندگی آن‌هاست، استفاده و متقابلاً از آن مراقبت نموده و مزاحمان را از این فضاها دور نگه دارند (جیسون و ویلسون، پیشین: ۲۵)؛ زیرا برای آن که فضایی، قابل دفاع باشد، باید ساماندهی آن به گونه‌ای باشد که حسن مسؤولیت و احساس تعلق به محیط مربوط را در فرد برانگیزد؛ به طوری که آن شخص به آنچه پیرامون و در محل زندگی و کارش می‌گذرد، بیشتر توجه نموده، موقعیت‌های بالقوه‌ی جرم‌زا را شناسایی و در صورت لزوم مداخله نماید (رجبی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳۵). لازم به ذکر است فضایی که رفتارهای قلمروگرایی در آن حاکم است، تنها محدود به داخل آپارتمان‌ها نمی‌شود، بلکه فضاهای مشترک داخلی و خارجی ساختمان از قبیل سالن، راهرو، سالن بازی، حیاط داخلی و مانند آن را نیز در بر

می‌گیرد. این محل‌ها باید به حوزه‌های کنترل شده توسط گروه‌های کوچک مالکان که احساس مسؤولیت می‌کنند، تقسیم شود. مثلاً باغی که در حیاط داخلی یا در میان پرچین اختصاصی تعدادی از خانواده‌ها قرار دارد؛ به طوری که قوانین غیرمدون مدنی به طور ارادی در آن اعمال می‌گردد؛ این امر موجب می‌شود مزاحمان از آمدن به چنین محلی منصرف شده؛ زیرا در صورت ورود، باید توضیح و توجیه مناسبی برای حضورشان در این محل داشته باشند و در غیر این صورت، ساکنان سریعاً از قصد مجرمانه‌ی آنان در ورود غیرمجاز به آن محل آگاه می‌گردند (کوسن، ۱۳۸۷: ۱۵۱). در این راستا، برخی از جرم‌شناسان (روبن اشتاین - ۱۹۸۰) روش‌های طراحی ساختمان که فضا را قابل دفاع‌تر می‌نماید به این صورت مشخص کرده‌اند:

- ۱- بهبود روشنایی خارجی؛
- ۲- کاهش موقعیت‌های اختفای بزه‌کار؛
- ۳- کاهش فضاهای باز بلا تکلیف؛
- ۴- مستقر کردن فعالیت‌های خارج از منزل در دید پنجره‌ها؛
- ۵- افزایش دالان‌های اختصاصی (پیز، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

به عبارت دیگر، محیط مسکونی باید به گونه‌ای طراحی و ساخت گردد که ضمن آن که انگار این ساختمان‌ها با ویژگی‌هایی همچون محکم و ایمن بودن، قابلیت داشتن نظارت طبیعی و همسایگی و ... از خود محافظت می‌نمایند، بلکه باید فضای بیرونی آن هم به گونه‌ای باشد که سبب ایجاد نوعی حس مالکیت قوی شود. برای مثال مردم باید احساس نمایند که فضاهای نیمه خصوصی و حتی نیمه عمومی همچون فضای خصوصی متعلق به آن‌هاست (جیسون و ویلسون، پیشین: ۲۲). به عبارت بهتر، معماری ساختمان‌ها باید با محدود کردن و گرفتن فرصت‌های جرم از بزه‌کاران بالقوه، آنان را از گذار اندیشه، به عمل مجرمانه منصرف کند.

۳. نظارت طبیعی^۱

هنگامی نظارت طبیعی می‌باشد، که طراحی منازل اعم از خانه‌های ویلایی و مجتمع‌های مسکونی، به گونه‌ای باشد که افراد درون خانه‌ها، ضمن پرداختن به امور

روزانه‌ی خود، هم بر فضاهای نیمه اختصاصی و هم بر فضاهای عمومی و نیمه عمومی اشراف داشته باشند؛ که برای افراد ساکن خانه‌های ویلایی، این مراقبت به معنی دیدن حیاط خانه، محل پارک خودرو یا گاراژ و خیابان است و برای افرادی که ساکن مجتمع‌های مسکونی هستند، این نظارت یعنی کنترل فضاهای نیمه اختصاصی، دیدن کودکان در حین بازی در پارک و نظارت بر فضای باز عمومی از طریق دیدن کسانی که وارد محله می‌شوند و کسانی که از پارکینگ خودروها استفاده می‌کنند. در عمل، نظارت طبیعی با اقداماتی همچون نورپردازی مناسب، پرهیز از کاشت بوته زار و فضای سبزی که مانع دید شود، تعبیه پنجره‌های ساختمان در محل مناسب، حذف نقاط کور و فاقد نظارت، انتخاب پارکینگ در مکانی با دید واضح و ... انجام می‌گیرد (جیسون و ویلسون، پیشین: ۴۲ - ۴۱). به عبارت دیگر طراحی و آماده سازی فیزیکی ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی باید به گونه‌ای باشد تا ساکنان آن، ضمن پرداختن به امور روزانه‌ی خود، اطراف را هم زیر نظر داشته باشند. این نوع نظارت، نظارت طبیعی نام دارد. از این رو زمین‌های بازی، فضای بین راه پله‌ها، سالن‌ها، پارکینگ‌ها باید به گونه‌ای طراحی گردد که بتوان همه‌ی آن‌ها را تحت پوشش نظارت و مراقبت اکثر ساکنان قرار داد. ابعاد دید ساکنان نباید محدود شود، نصب و قرار گرفتن بیشتر پنجره‌ها باید این امکان را به مالکان بدهد تا بتوانند مشاهده کنند که چه کسی وارد ساختمان می‌شود؛ به طوری که اگر شخصی نیت نادرستی داشته باشد، باید همواره حس نماید که تحت نظر و دید است (کوسن، پیشین: ۱۵۳ - ۱۵۲)؛ زیرا منطق حکم می‌نماید که بزه‌کاران دوست ندارند حین ارتکاب جرم دیده شوند؛ از این رو مراقبت و نظارت و چشم دوختن به خیابان، محیط را برای بزه‌کاران نا امن نموده و ریسک شناسایی و دستگیری را برای آنان افزایش می‌دهد. به عبارت بهتر، هدف اصلی نظارت، راندن مزاحم نیست؛ بلکه زیر نظر داشتن دقیق وی است تا اصلاً مزاحم به واسطه‌ی مراقبت دقیق نتواند مزاحمتی ایجاد نماید (هون، ۱۳۸۵: ۱۰۱). به دیگر سخن، طراحی محیط‌های مسکونی باید به گونه‌ای باشد که انگار این ساختمان‌ها از خود محافظت می‌نمایند؛ به طوری که ساکنان و اهالی محل به صورت عادی و اتفاقی فضاهای نیمه خصوصی، عمومی و نیمه عمومی محل زندگی خود را زیر نظر داشته تا کسانی که نیت مجرمانه دارند، به

واسطه‌ی این نظارت، مجال عکس‌العمل نداشته باشند. در این راستا، زمانی نظارت طبیعی به وسیله‌ی مردم به طور صحیح انجام می‌گیرد که ابتدا حس قلمروگرایی آن‌ها با طراحی مناسب مجتمع‌های مسکونی تقویت گردد؛ به طوری که مردم برای حفظ امنیت خود در فضاها، نیمه خصوصی و نیمه عمومی، همچون فضای خصوصی احساس مسؤلیت نمایند؛ زیرا در عمل، اگر قرار باشد مردم به پیش‌گیری از بزه‌کاری کمک نمایند، باید قادر باشند تمام فضاها، نیمه خصوصی، عمومی و نیمه عمومی را همچون فضاها، اختصاصی تحت نظر داشته باشند.

۴. کنترل دسترسی^۱

سارقان و خرابکاران برای پیشبرد اهداف بزه‌کارانه خود، مناطقی را بر می‌گزینند که ورود و خروج به آن‌ها آسان بوده و راه فرار سریع در آن مناطق وجود داشته باشد. به عنوان مثال به خانه‌هایی که در کوچه‌های بن بست قرار داشته و دارای میزان دسترسی محدودی هستند، خسارت کمتری نسبت به خانه‌هایی که در تقاطع‌ها قرار داشته و دارای دسترسی آسانی هستند، وارد می‌شود. به همین دلیل می‌باشد که تعداد زیاد دسترسی‌های پیرامون ساختمان‌های بزرگ از علت‌های اصلی بروز بزه‌کاری و مشکلات در این مجتمع‌ها می‌باشد؛ زیرا اگر در اطراف واحدهای مسکونی، راه یا محل‌های متعددی برای ورود وجود داشته باشد، مثل پله‌های اضطراری؛ افراد غریبه از این راه‌های میان‌بر جهت ورود به محوطه استفاده کرده و قلمرو مسکونی پر از غریبه‌های ناشناس شده و در نتیجه فضایی به وجود می‌آید که سبب افزایش بزه‌کاری می‌گردد. بنابراین در طراحی صحیح واحدهای مسکونی، راه‌های ورودی و خروجی و به عبارت بهتر، تعداد دسترسی به آماج‌ها باید محدود و قابل کنترل باشد (جیسون و ویلسون، پیشین: ۵۹) در این راستا، دسترسی بزه‌کاران به اهداف مجرمانه را به روش‌های زیر می‌توان محدود نمود:

- افزایش نظارت طبیعی و تقویت حس قلمروگرایی، زیرا این امر سبب می‌شود تا ساکنان، غریبه‌ها را شناسایی کرده، با رفتارهای مشکوک برخورد نموده و موضوع را به پلیس گزارش نمایند؛

- نصب و به کارگیری تجهیزات حفاظت الکترونیکی همچون دوربین‌های مداربسته در مناطقی مثل ورودی ساختمان‌ها؛
 - دشوارسازی رسیدن به اهداف مجرمانه از طریق محکم نمودن درها و پنجره‌ها با استفاده از چهارچوب و قفل‌های محکم؛
 - نصب تلفن داخلی، راه‌اندازی بخش پذیرش در ساختمان‌ها.
 ایجاد و راه‌اندازی بخش پذیرش در مجتمع‌های مسکونی در کاهش جرایمی همچون تخریب و سرقت تاثیرگذار است. این امر سبب می‌گردد تا خود ساکنان نیز از ارتکاب برخی از جرایم امتناع نمایند.

۵. دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه^۱

دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه، به این معناست که استانداردهای امنیتی ساختمان نظیر درها، پنجره‌ها، قفل‌ها و ... جهت دور نگه داشتن بزه‌کاران از دستیابی به آماج‌های مجرمانه بهبود یابد. هم‌چنین دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه به معنی طراحی و جانمایی دوباره‌ی عناصری است که بیش‌تر مورد تخریب قرار می‌گیرند. به عنوان مثال چراغ‌ها و دیوارها و... از جمله عناصری هستند که باید در مقابل جرایمی همچون تخریب مقاوم گردند.

دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه در درون منازل بر عهده‌ی مالکین و استفاده کنندگان می‌باشد؛ هر چند که معماران و سازندگان ساختمان‌ها در هنگام طراحی و ساخت نسبت به مسائل ایمنی ساختمان از منظر دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه نیز توجه دارند، اما باید به این امر نیز توجه نمود که میزان درجه‌ی امنیت و ایمنی ساختمان با توجه به خواسته‌ی خریداران خانه‌ها نیز متفاوت است. به طوری که آمارها نشان می‌دهد، مردم به ظاهر و نمای ساختمان، بیش‌تر از ایمنی آن توجه دارند. این امر رسیدن به مقوله‌ی دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه را با مشکل روبه‌رو می‌نماید. در جهت حل این مشکل و ترغیب و تشویق مردم به اتخاذ تدابیری جهت دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه، توسط نهادهای ذی‌ربط، می‌بایست گام‌های مثبتی در این خصوص برداشته شود و در صورت لزوم، ضوابط و

مقررات خاصی در این خصوص تعیین و اجباری شود. مانند آن‌که:

- جهت بالابردن سطح آگاهی مردم، بروشورهایی از استانداردهای امنیتی بالا و متوسط برای درب‌ها و پنجره‌های خانه‌ها و آپارتمان‌ها توسط نهادهای ذی‌ربط تهیه شود؛ آمارها نشان می‌دهد ساختمان‌هایی که ورودی‌شان از وسایل غیر ایمن ساخته شده، بیشتر مورد سرقت قرار گرفته‌اند. یا در این خصوص از سوی رسانه‌ها به اندازه‌ی کافی اطلاع‌رسانی شود تا مردم به اجرای تدابیر این‌چنینی در منازل خود ترغیب شوند؛

- مساعدت شرکت‌های بیمه در اخذ حق بیمه‌ی کمتر از مالکان منازل که تدابیر دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه را در منازل خود رعایت می‌نمایند. نظیر استفاده از قفل‌های مناسب و ایمن برای درب‌ها و پنجره‌ها یا گذاشتن دوربین‌های مداربسته و نگهبان برای مجتمع‌های مسکونی؛

- مساعدت دولت در قالب پرداخت تسهیلات مناسب به شرکت‌های تولیدکننده‌ی تجهیزات حفاظتی، جهت پایین نگه داشتن قیمت چنین محصولاتی؛ تا تهیه آن برای همه مقدور باشد؛ زیرا همان‌گونه که می‌دانیم هزینه‌ی پیش‌گیری بسیار پایین‌تر از درمان می‌باشد؛

- تشکیل واحدی به نام واحد معماری پیش‌گیری، زیر نظر ارگان‌های مسؤول در امر پیش‌گیری با اختیار تعیین درجه‌ی ایمنی برای ساختمان تا ساختمان‌هایی که ضوابط و استانداردهای پیش‌گیری از جرم در آن‌ها رعایت گردیده، از امتیازاتی رسمی و بهتر نسبت به ساختمان‌هایی که چنین استانداردهایی را رعایت نکرده‌اند، برخوردار باشند؛

در پلیس انگلستان، واحدی به نام واحد معماری پیش‌گیری وجود دارد که وظیفه‌ی نظارت و بازرسی بر طراحی ساختمان‌هایی را که سازندگان و طراحان آن داوطلبانه تمایل دارند معیارهای پیش‌گیری طبیعی از جرم را در بنای ساختمان رعایت نمایند، بر عهده دارد. کارشناسان واحد مذکور ضمن بازدید از ساختمان‌ها، پیشنهادهای مناسب را به سازندگان ارائه می‌دهند تا با رعایت حداقل هزینه، بهترین نتایج پیش‌گیرانه را به دست آورند. در پایان کار نیز به این ساختمان‌ها یک برچسب ایمنی در برابر جرم می‌دهند که نشان مذکور روی ساختمان نصب می‌شود (همچون

ستاره که به هتل‌ها نصب می‌گردد) و طبعاً چنین ساختمان‌های مسکونی، تجاری و اداری، از مطلوبیت و در نتیجه قیمت بالاتری نزد خریداران برخوردارند. حتی بسیاری از ساختمان‌های موجود نیز به دنبال انجام تغییرات در طراحی و دریافت برچسب ایمنی هستند و از پلیس می‌خواهند که به آن‌ها برچسب ایمنی بدهد که واحد مزبور، کارشناسان خود را می‌فرستد و بازدید می‌کند و دستور تغییرات لازم را می‌دهد تا پس از احراز ضوابط لازم، برچسب مربوطه صادر شود. (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۲) هم‌چنین از سوی مردم (ساکنان و مالکان) می‌بایست تدابیری جهت دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه انجام گیرد که تدابیر زیر در این خصوص پیشنهاد می‌شود:

- سعی شود آپارتمانی برای اجاره یا خرید انتخاب شود که ایمن بوده، سرایدار داشته و به تلفن داخلی مجهز باشد و اگر واحد ساختمانی ناامن باشد، با همکاری همه‌ی ساکنان نسبت به نصب و راه اندازی سیستم حفاظتی امنیتی اقدام شود؛
- روی درب‌های بیرون ساختمان قفل‌های محکم و مطمئن نصب شود و در واحدهای طبقه‌ی همکف، به پنجره‌ها و درب‌ها، قفل‌های مطمئن نصب گردد؛
- روی درب ورودی، چشمی نصب شود تا ساکنان مجبور نباشند درب را روی غریبه‌ها باز کنند و همیشه کارت هویت افرادی که خود را مامور یا کارمند دولت معرفی می‌نمایند، پیش از ورود به ساختمان کنترل شود تا بزه‌دیده‌ی جرایمی همچون سرقت و کلاهبرداری نگردند؛
- برقراری رابطه‌ی دوستی با همسایگان نزدیک یکی از موثرترین روش‌ها در جلوگیری از جرایمی مانند سرقت است؛
- درب‌های ورودی، سرسرا (لابی)، راه پله و بخش‌های واقع در بیرون ساختمان، از نور کافی برخوردار باشد.

یافته‌های پژوهش

در خصوص طراحی صحیح محیطی و نقش آن در پیش‌گیری وضعی از جرایم علیه اموال، در حوزه‌ی یاد شده، ممکن است در نگاه اول این تصور به ذهن متبادر گردد که این امر شاید موجب بروز مشکلاتی برای معماران از حیث رعایت نکات ایمنی در ساخت و ساز همراه با حفظ ظاهر و نمای ساختمان گردد یا مشکلاتی را برای سایرین از حیث مسؤولیت‌پذیری بیش‌تر در حفاظت از اموالشان، به جهت پیش‌گیری از وقوع جرایمی که ممکن است در این حوزه برای اموالشان اتفاق افتد، گردد. زیرا؛ افراد جامعه به دلیل عدم آگاهی و اشراف از معنی و مفهوم پیش‌گیری و باورهای غلطی که در این زمینه وجود دارد، گمان می‌کنند به دلیل پرداخت مالیات و عوارضی که به دولت یا شهرداری و یا نهادهای خصوصی می‌پردازند، نیازی به انجام برخی تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی که بعضاً هزینه‌بر است، در خصوص محافظت از اموال خود نداشته و شاید به همین جهت، به مقوله‌ی پیش‌گیری از جرم بی‌توجه بوده و این امر را وظیفه‌ی پلیس، دستگاه قضایی و سایر ارگان‌های متولی امر پیش‌گیری می‌دانند. امروزه با افزایش جرایم علیه اموال، به‌رغم رشد دامنه‌ی فعالیت‌های نهادهای متولی امر پیش‌گیری، جامعه در حال پذیرفتن این واقعیت است که داشتن چنین نگرشی به مقوله‌ی پیش‌گیری، نه تنها درمان‌کننده‌ی معضل بزه‌کاری در این حوزه نمی‌باشد، بلکه منجر به این خواهد شد که افراد جامعه برای به دست آوردن همین مقدار امنیت در مقابل جرایمی که اموالشان را تهدید می‌نماید، هزینه‌های بیش‌تری را در قالب مالیات و حق بیمه به نهادهای برقرارکننده‌ی امنیت و یا نهادهای جبران‌کننده‌ی خسارت پرداخت نمایند؛ بدون آن که کاهش ملموسی در وقوع یا تکرار جرایم در این حوزه ملاحظه گردد.

پیش‌گیری وضعی از جرایم از طریق طراحی محیطی، نظیر ایم که جرم نتیجه‌ی شرایط اجتماعی چون فقر و بیکاری است و اصلاح محیط، جایگزین مناسبی برای خدمات اجتماعی بازپروری و اصلاحی نیست؛ یا ایم که این دیدگاه تنها ارتکاب جرایم را به نواحی دیگر منتقل می‌نماید و بنابراین زمانی که دستیابی به اهداف مجرمانه با نصب قفل و حفاظ بر روی در و پنجره یا از طریق نظارت دقیق یا کنترل ورودی و خروجی‌ها یا قلمروگرایی دشوار گردد، مجرمین به ساختمان‌هایی که از

لحاظ امنیتی ضعیف‌تر بوده مراجعه می‌نمایند؛ یا نوع جرم خود را تغییر می‌دهند و صرف نظر از پاسخی که طرفداران رویکرد طراحی صحیح محیطی در رد این ادعاها اظهار می‌دارند، باید اذعان داشت با توجه به این‌که طراحی نامناسب محیطی در تکوین و تشدید تمایلات بزه‌کارانه‌ی افراد مستعد، در ارتکاب جرم در این حوزه‌ها بسیار تاثیرگذار است، لذا هدف از طرح چنین موضوعی، صرف نظر از مفید بودن آن، ارتقاء سطح آگاهی مالکان در مسؤولیت پذیری بیش‌تر در محافظت از اموالشان و هم‌چنین معماران و طراحان و برنامه‌ریزان شهری در یاری رساندن به نهادهای مسؤول در امر پیش‌گیری در اجرای برنامه‌های کلان پیش‌گیری از بزه‌کاری است؛ زیرا تغییرات پیش‌گیری وضعی از طریق طراحی محیطی، دائمی بوده و نیازی به برنامه‌های هزینه‌بر همراه با نیروی انسانی و بودجه‌ی زیاد ندارد. به علاوه این‌که، از نظر تجربی نیز سودمندی این امر در کاهش وقوع و یا تکرار بسیاری از جرایم نسبت به اموال نظیر سرقت اثبات گردیده است.

با عنایت به مراتب فوق، توصیه‌های زیر در جهت کاهش وقوع جرایم علیه اموال پیشنهاد می‌شود:

- ۱- طراحان و معماران در خصوص طراحی محیط مسکونی، تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وضعی از قبیل نورپردازی مناسب، به حداقل رساندن فضاهایی با قابلیت اختلاف و نزاع بر سر مالکیت، کاستن از فضاهای خلوت و غیرقابل رویت، استقرار خانه‌ها و آپارتمان‌ها در وضعیتی که نظارت طبیعی و همسایگی بر آن‌ها آسان باشد و ... را مد نظر قرار دهند تا فعالیت‌های احتمالی مجرمان محدود به قسمت‌هایی باشد که به راحتی بتوان آن را تحت نظارت و مراقبت قرار داد. هم‌چنین شهرداری‌ها و سایر ارگان‌های ذی‌ربط، برنامه‌های دقیق و مشخصی را جهت ارائه‌ی مجوزهای ساخت و تدوین نماید. مثلاً عدم ارائه‌ی مجوز ساخت اماکن مسکونی در محدوده‌ی تقاطع یا نقاطی که دارای دسترسی آسان جهت ورود و خروج می‌باشند؛
- ۲- استانداردهای خاصی برای کیفیت ساختمان‌های مقاوم در مقابل جرایم علیه اموال در همه‌ی زمینه‌ها اعم از مصالح، درب و پنجره و ... تدوین و تصویب و اجرا گردد؛
- ۳- در کشور ما در زمینه‌ی نحوه‌ی ساخت و سازها، استاندارد و نظام‌نامه‌ی

ایمنی اجباری یا اختیاری خاصی وجود ندارد. لذا توصیه می‌شود مانند بسیاری از کشورها واحدی به نام واحد معماری پیش‌گیری، زیر نظر ارگان‌های مسؤول در امر پیش‌گیری با اختیار تعیین درجه‌ی ایمنی برای ساختمان‌ها تاسیس شود تا از این پس رقابت و چشم و هم‌چشمی به مسائل امنیتی هم تسری پیدا نماید و صرفاً جنبه‌ی زیبایی و گرفتن مجوز ساخت و ساز در اولویت نباشد؛

۴- صنعت بیمه، فاکتور ایمنی در مقابل جرایم را یکی از مبنای محاسبات خود در دریافت‌ها و پرداخت‌ها قرار دهد. دولت نیز در جهت تهیه‌ی راحت تجهیزات ایمنی توسط مردم، به شرکت‌های تولیدکننده‌ی این تجهیزات، مساعدت‌های لازم را بنماید تا دسترسی و تهیه‌ی این تجهیزات ایمنی به صورت ارزان برای همه فراهم شود و مردم احساس مسؤولیت و تلاش بیش‌تری در جهت حفاظت از اموال خود داشته باشند.

فهرست منابع

- ۱- پیز، کن، *جایگاه پیش‌گیری نخستین در انگلستان*، برگردان: مهدی صبوری‌پور، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۴۷، ۱۳۸۷.
- ۲- جیسون، سوزان و ویلسون، پل آر، *طراحی محیطی جرم‌ستیز: پیش‌گیری جرم از طریق طراحی محیطی*، مترجم: محسن کلانتری و ابوذر سلامی بیرامی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، ۱۳۸۷.
- ۳- فلیسنر، دن و هنزل من، فرد، *پیش‌گیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و اداره امور پلیسی جامعه‌گرا*، برگردان: حسین بختیاری و لیلا اصل علیزاده، سال ششم، شماره‌ی نخست، ۱۳۸۳.
- ۴- رجبی‌پور، ابراهیم، *پیش‌گیری انتظامی شهروند مدار*، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیش‌گیری از وقوع جرم، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
- ۵- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی، *شناسایی کانون‌های جرم‌خیز شهری*، فصل‌نامه‌ی مطالعات پیش‌گیری از جرم، تهران، سال دوم، شماره‌ی دوم، ۱۳۸۶.
- ۶- کلکوهن، ایان، *طراحی عاری از جرم: ایجاد مناطق امن و پایدار*، برگردان: مهرداد رایجیان اصلی و حمید رضا عامری سیاهویی، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۷.
- ۷- کوسن، موریس، «*پیش‌گیری از خشونت در مدارس: با تأکید بر نقش پلیس در پیش‌گیری از جرم*»، برگردان: شادروان شهریار ترخانی، فصل‌نامه‌ی مطالعات پیش‌گیری از جرم، تهران، سال سوم، شماره‌ی هفتم، ۱۳۸۷.
- ۸- محمد نسل، غلامرضا، «*میزگرد بررسی لایحه‌ی پیش‌گیری از وقوع جرم با رویکرد انتظامی - قضایی*»، فصل‌نامه‌ی مطالعات پیش‌گیری از وقوع جرم، سال دوم، شماره‌ی سوم، ۱۳۸۶.
- ۹- میرخلیلی، سعید محمود، *پیش‌گیری وضعی از بزه‌کاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*، سازمان انتشارات پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
- ۱۰- هون، تن کین، *پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی*، برگردان: علی سلطانی، فصل‌نامه‌ی مطالعات پیش‌گیری از جرم، تهران، سال نخست، شماره‌ی نخست، ۱۳۸۵.